

## مبانی نظری صدور انقلاب از منظر امام خمینی (س) (چرایی، اهمیت و ضرورت صدور انقلاب)

عباسعلی فرزندی اردکانی<sup>۱</sup>

چکیده: ماهیت اعتقادی و مردمی انقلاب اسلامی و نظام برخاسته از آن، از سویی باعث شد تا دشمنی قدرتهای حاکم جهانی برانگیخته شود و از سوی دیگر، ایران اسلامی را به کانون الهام بخش و بیداری ملتها به ویژه مسلمانها تبدیل کرد. بر این اساس رهبری انقلاب اسلامی، از آغازین روزهای پیروزی انقلاب برای انتقال آموزه‌ها و تجربیات خویش به دیگر جوامع احساس وظیفه کرده و با طرح اندیشه صدور انقلاب در صدد پاسخگویی به این نیاز دو سویه انقلاب و طرفداران فراملی آن برآمده است. واقعیت این است که اندیشه «صدور انقلاب» که می‌بایست به یک سیاست ضابطه‌مند تبدیل شود با نگرشهای گوناگونی مواجه بود، ولی امام خمینی به عنوان واضع مکتب انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در مواضع خویش ضمن اعلام قطعی صدور انقلاب، ابعاد آن را نیز ترسیم کرد. در این مقاله با رویکرد توصیفی - تحلیلی به تبیین چرایی، اهمیت و ضرورت صدور انقلاب از منظر امام خمینی پرداخته خواهد شد.

در اندیشه امام خمینی ضمن اینکه صدور انقلاب به دلیل ماهیت و ویژگیهای ایدئولوژیک انقلاب اسلامی به عنوان وظیفه و تکلیف مطرح بوده و بر مبانی اعتقادی مبتنی است، از لحاظ واقعیت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نیز اجتناب‌ناپذیر است. از طرفی، از دیدگاه امام خمینی در صدور انقلاب می‌بایست ملتها را هدف دانست و به ابعاد جامع صدور انقلاب توجه کرد تا اهداف و منافع جمهوری اسلامی ایران در محیط فراملی برآورده شود.

۱. دانش آموخته دوره هفتم دانشکده دفاع ملی دانشگاه عالی دفاع ملی.

**کلیدواژه‌ها:** امام خمینی، انقلاب اسلامی، صدور انقلاب، ممگرای، فراملی، تکلیف‌گرایی، رسالت جهانی.

### مقدمه

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران ضمن ساقط کردن حکومت استبدادی شاهنشاهی، اساس ظلم و استکبار و منافع قدرتهای سلطه‌گر به ویژه امریکا را مورد تهدید قرار داد. ماهیت اسلامی و مردمی و تکیه بر عوامل اعتقادی و آموزه‌های دینی، به عنوان مهمترین عوامل پیروزی انقلاب اسلامی، ضمن بر هم زدن نفوذ و اقتدار فزاینده نظام سلطه در ایران و برپایی نظام مستقل از ابرقدرتها، در این کشور شرایطی را رقم زد که ایران اسلامی به عنوان کانون الهام بخش و بیداری ملتها - به ویژه مسلمانان - تبدیل شود. جمهوری اسلامی به عنوان نظام برخاسته از انقلاب اسلامی ایران در سطح ملی، کاملاً متفاوت با دیگر نظامهای موجود، جایگاه ویژه‌ای در سطح بین‌المللی پیدا کرد. این انقلاب در سطح فراملی، ضمن شکست ابهت ابرقدرتها، موجبات بیداری گسترده ملت‌های مسلمان را فراهم آورد و وظایف ویژه‌ای برای رهبران انقلاب و نظام برآمده از آن در زمینه حمایت از ملتها، مسلمانان - به ویژه نهضت‌های آزادیبخش - مشخص کرد. رویکرد ایدئولوژیک انقلاب اسلامی و فرهنگ دینی و ارزش‌های سنتی و بومی از یکسو برای جهان غرب و به ویژه امریکا غیر منتظره بود و از سوی دیگر باعث استقبال و تأثیرپذیری ملت‌های مسلمان از آرمانها، اهداف، سیاستها و روش‌های مربوط به این پدیده مهم گردید و توقعات و انتظارات ویژه‌ای را در آنان برای الگودهی و انتقال تجربیات انقلابی از ناحیه متولیان انقلاب اسلامی به وجود آورد. بر این اساس رهبران انقلاب اسلامی علاوه بر احساس تکلیف دینی در زمینه نشر و گسترش آموزه‌های انقلاب اسلامی، می‌بایست اندوخته‌ها و تجربیات خود را با در نظر گرفتن وظیفه دینی و شرایط محیطی به آنان منتقل کنند. بر اساس واقعیت‌های پیش شمرده و با لحاظ ویژگیها و اهداف انقلاب اسلامی منبث از ماهیت اسلامی و جهانی بودن ایدئولوژی اسلام که دینی و اسلامی است و با توجه به مردمی و فراگیر بودن، استقلال و عدم اتکا به شرق و غرب، ظلم ستیزی و حمایت از مظلوم، نفی سلطه‌پذیری و سلطه‌گری و با توجه به ضرورت وحدت جهان اسلام، تعارض با نظام ناعادلانه حاکم بر جهان و ...، رهبر انقلاب ضروری دیدند که رویکردی منطبق با اهداف این انقلاب اتخاذ

کنند. در این راستا و برای پاسخگویی به انتظارات بر حق شیفتگان انقلاب اسلامی و از طرفی تعیین تکلیف نسبت به مخالفان این پدیده مهم، امام خمینی اندیشه صدور انقلاب را مطرح کردند.

در اینجا ذکر چند نکته در مورد صدور انقلاب لازم به نظر می‌رسد:

۱. با توجه به اینکه از آغازین روزهای پیروزی انقلاب یکی از نکاتی که امام بر آن تأکید جدی داشتند مسأله صدور انقلاب بود و از طرفی با طرح اندیشه صدور انقلاب از سوی ایشان و تأکید بر اجرای این سیاست، برخی مخالفت‌های تصریحی و تلویحی از ناحیه بعضی از جریان‌های سیاسی مطرح شد، اما ایشان با موضع‌گیری قاطعانه‌ای فرمودند: «ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۲: ۱۴۸). همچنین حضرت امام خمینی با نفی تفکر مخالفان صدور انقلاب اعلام کردند: «ما باید در صدور انقلابمان به جهان کوشش کنیم و تفکر اینکه ما انقلابمان را صادر نمی‌کنیم کنار بگذاریم» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۲: ۲۰۲). لذا امام با اتخاذ این مواضع روشن، پابندی خود را به اصل صدور انقلاب به صورت قطعی اعلام داشت.

با قطعی شدن اندیشه صدور انقلاب، برگزیدن سیاست و برنامه‌های مناسب برای اجرای این اندیشه از ضرورت‌های انکارناپذیر بود و به مبانی نظری قابل اتکا نیاز داشت که متولیان صدور انقلاب بتوانند با وحدت رویه در مواضع خود از آن بهره‌گیری کنند، تا ضمن انجام وظیفه نسبت به شیفتگان انقلاب اسلامی در سراسر جهان، به ویژه مسلمانان، از اهداف انقلاب اسلامی و اهداف منافع جمهوری اسلامی ایران در محیط فراملی حفظ و حراست به عمل آورند.

مواضع امام نه تنها همواره نقش تعیین‌کننده و محوری در مراحل مختلف انقلاب اسلامی برای ملت مسلمان ایران و مسئولان جمهوری اسلامی ایران و همچنین امت اسلامی در ورای مرزهای جمهوری اسلامی ایران داشته است، بلکه در مسأله صدور انقلاب هم مواضع ایشان در بردارنده مبانی شرعی، اهداف، راه‌ها و ابزار کار آمدی است که در صورت تنظیم و تبیین آنها زمینه مناسبی برای انجام وظیفه دینی و انقلابی و بازشناسی فرصت‌های ویژه برای گسترش و عمق بخشی حوزه‌های علاقه‌مند به انقلاب اسلامی فراهم می‌شود. بر این اساس ترمیم و تبیین مبانی نظری صدور انقلاب از منظر امام خمینی می‌تواند در زمینه سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و تعامل در محیط فراملی مورد توجه متولیان امر قرار گرفته و معیار سنجش مناسبی در این راستا به شمار آید.

واقعیت این است که پیام گسترده انقلاب اسلامی به سرعت از مرزها گذشت و با پیگیری اندیشه صدور انقلاب توسط دولتمردان جمهوری اسلامی ایران - علی‌رغم میل مخالفان و تلاش

آنها برای جلوگیری از نفوذ اندیشه انقلاب اسلامی و مواضع آن - تأثیر عمیق و گسترده‌ای بر ملت‌ها و به ویژه مسلمانان برجای گذاشت. البته این تأثیرپذیری در جوامع خاص چون لبنان و فلسطین از عمق بیشتری برخوردار بود و تغییر باورها و ایجاد خودباوری و همگرایی با ملت ایران را در آن جوامع به همراه داشت. این تحولات را می‌توان به عنوان یکی از محوری‌ترین موضوعات مرتبط با نظریه صدور انقلاب مورد تحلیل و ارزیابی قرار داد.

تأثیرپذیری ملت‌ها، مسلمانان و جنبش‌های اسلامی از انقلاب ایران تا آن حد است که صاحب‌نظران منطقه‌ای و بین‌المللی به این واقعیت اقرار کرده‌اند. برای مثال جان.ال. اسپوزیتو، پژوهشگر امور خاورمیانه معتقد است: «یک انقلاب اسلامی جهانی به وقوع پیوسته که بر سیاست‌های گروه‌های اسلام‌گرا تأثیر گذارده است» (اسپوزیتو ۱۳۷۲: ۲۵). اما چون در زمینه چگونگی صدور انقلاب دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد، لازم است چهارچوب مناسب و مبانی و اصول اندیشه صدور انقلاب تبیین شود تا اهداف اساسی و فرا مرزی انقلاب اسلامی و نظام برخاسته از آن بر اساس چهارچوب و مبانی مذکور دنبال شود.

بر اساس این ضرورت، در نوشتار حاضر در پی آنیم که با استفاده از روش‌های علمی، چهارچوب صدور انقلاب را مبتنی بر مبانی و اصول مورد توجه امام خمینی تبیین و ارائه کنیم.

۲. جمهوری اسلامی ایران به دلیل برخورداری از ساختار ایدئولوژیک و اصول حاکم بر قانون اساسی و همچنین پایداری مسئولان کشور به مواضع اصولی امام خمینی بر اساس ضرورت می‌بایست چهارچوب مناسب و مطلوبی را برای انجام تعهد خود در راستای اهداف برون مرزی انقلاب اسلامی تعیین و ترسیم کند، تا همه مسئولان رسمی و غیررسمی بر اساس آن بتوانند با جهت‌گیری واحد با بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی تعامل کرده و به توقعات بر حق ملت‌ها - به ویژه جریانات اسلامی - پاسخ مناسب دهند. از طرفی، تبیین چهارچوب فوق می‌تواند بین متولیان صدور انقلاب، همگرایی ایجاد کند تا در عرصه‌های نظری و در صحنه‌های عمل، فرصت‌های مناسبی را برای جمهوری اسلامی ایران فراهم کنند و آسیب‌ها و تهدیدات ناشی از اختلاف سلیقه و تعارض عملی در این زمینه را از نظام جمهوری اسلامی ایران دور سازند.

علاوه بر تعهد نسبت به مستضعفان و مسلمانان، مخاطب صدور انقلاب و نیاز به تقویت فرصت‌های فرا مرزی که در تبیین چهارچوب صدور انقلاب مورد توجه است، دوری گزیدن از تبعات ناشی از تأثیرات غیرارادی نیز تبیین چهارچوب مبتنی بر نظریات امام خمینی را ضرورت

می‌بخشد. در نتیجه «اهمیت» این تحقیق از آن جهت است که صدور انقلاب مبتنی بر دیدگاه امام خمینی به مسئولان کمک می‌کند تا:

(۱) با همگرایی در مواضع گفتاری و عملی زمینه مناسب ارتباط با ملت‌ها، نهضت‌ها و شیفتگان انقلاب اسلامی را فراهم کنند.

(۲) توقعات و انتظارات شیفتگان انقلاب اسلامی را با واقعیت‌های صدور انقلاب تطبیق کرده و به شبهات و ابهامات در این زمینه با دیدگاه اصولی پاسخ دهند.

اما «ضرورت» این تحقیق از این جهت است که گاهی اصل صدور انقلاب توسط جریان‌ات و اشخاصی مورد خدشه قرار گرفته و از طرفی دیدگاه‌های افراطی نیز در این زمینه وجود دارد، لذا تبیین چهارچوب صدور انقلاب می‌تواند از زیانهای احتمالی در این زمینه جلوگیری کند.

۳. برخی موضوعات به عنوان ملاحظات اساسی مورد توجه است:

(الف) به دلایل ایدئولوژیک و بر اساس ماهیت انقلاب اسلامی تلاش برای گسترش آموزه‌های اسلامی چون بیداری اسلامی، ضدیت با استکبار، خیزش مستضعفین، آزادی قدس و... به عنوان محور اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تلقی می‌گردد.

(ب) دشمنی حکومت‌های استکباری چون امریکا، اسرائیل و... با نظام جمهوری اسلامی ایران قطعی می‌باشد.

(ج) استقبال ملت‌ها - به ویژه مسلمان‌ها - برای الگو قرار دادن آموزه‌های انقلاب اسلامی چشمگیر است.

۴. در این راستا، مفاهیم و متغیرهایی وجود دارد که تعریف نظری هر کدام از آنها به قرار زیر است:

(الف) انقلاب اسلامی عبارت است از: دگرگونی بنیادی در ساختار کلی جامعه و نظام سیاسی آن، منطبق بر جهان بینی و موازین و ارزش‌های اسلامی و نظام امامت بر اساس آگاهی و ایمان مردم و حرکت پیشگام مشتاقان و صالحان و قیام قهرآمیز توده‌های مردم (عمید زنجانی ۱۳۶۷: ۷۹).

(ب) صدور انقلاب «یک برنامه و اقدام یا سیاستی است که از طرف دست اندرکاران انقلاب در جهت تأثیرگذاری بر جوامع دیگر اتخاذ می‌گردد» (محمدی در حال انتشار: ۶۱۱).

تلاش و کوشش هدفمند برای تبیین و معرفی آرمانها و اهداف انقلاب اسلامی به جوامع و انتقال تجربیات موفق به آنها (که در فهرست دستاوردهای انقلاب اسلامی جای می‌گیرد) لزوماً باید دربرگیرنده اهداف، سیاستها، استراتژی و حتی شیوه‌های اجرایی باشد.

### دیدگاههای گوناگون در زمینه صدور انقلاب

وقوع انقلاب اسلامی در ایران به عنوان کشوری بزرگ و دارای موقعیت مهم ژئوپلیتیک و یکی از بزرگترین دارندگان منابع عظیم انرژی (گاز و نفت)، مرز طولانی مشترک با ابرقدرت شرق در دوران جنگ سرد به عنوان یکی از پایه‌های نظام دوقطبی و همچنین با توجه به جایگاه ایران در کشورهای اسلامی و موقعیت بی‌نظیر استراتژیکی که محل تلاقی منافع حیاتی و امنیتی غرب با شرق به حساب می‌آمد، دغدغه‌ها و نگرانیهای عمیقی را در نظام بین‌الملل ایجاد کرد.

واقعیت این است که انقلاب اسلامی، غرب و قدرتهای بزرگ را عملاً از امتیاز حضور و دخالت مستقیم در امور ایران محروم کرد و به دلیل تأثیر این انقلاب در سطح منطقه و جهان آنان را به حیرت و هراس واداشت. رویکرد ایدئولوژیک انقلاب اسلامی و فرهنگ دینی و ارزشهای سنتی و بومی برای جهان غرب، به ویژه آمریکا، کاملاً غیرمنتظره بود؛ زیرا آنها ایدئولوژیهای گوناگونی چون سوسیالیسم، ناسیونالیسم و... را در روابط بین‌الملل تجربه کرده بودند، لکن رویکرد دینی و به ویژه اصولگرایی اسلامی و مضامین بلندی چون فتوا، جهاد و امامت و... را برای خود غیر قابل هضم می‌دانستند.

انقلاب اسلامی از ویژگیهای منحصر به فرد و ویژه‌ای برخوردار است که آن را از دیگر انقلابهای جهانی متمایز می‌کند. چنانچه بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی در این زمینه فرموده‌اند: «شک نباید کرد که انقلاب اسلامی ایران از همه انقلابها جدا است: هم در پیدایش و هم در کیفیت مبارزه و هم در انگیزه انقلاب و قیام» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۴۰۲).

انقلاب اسلامی در ایران با بهره‌مندی از خمیرمایه دینی - مذهبی و برخورداری از ماهیت فرهنگی و نگاه جامع‌الابعاد اصلاحی آغاز گردید و تا مرحله پیروزی و پس از آن همواره این ویژگی را داشت. انقلاب اسلامی در ایران با تکیه بر معنویت و در نظر گرفتن ارزشهای انسانی و اسلامی از ویژگیهای بسیار مهمی برخوردار است که می‌تواند برای ملت‌های دیگر که طالب ارزشهای انسانی‌اند، به عنوان الگویی قلمداد شود. ویژگیهایی همچون: دینی و اسلامی، مردمی و

فراگیر، استقلال‌طلبی، سازش‌ناپذیری نسبت به اصول فرهنگی و معنوی، برخورداری از رهبری جامع‌الابعاد، ظلم‌ستیزی، عدالت‌خواهی و ... از جمله آنها است. مجموعه ویژگی‌های فوق‌توانسته است آموزه و استراتژی جدید و کارآمدی را فراروی حرکت‌های انقلابی قرار دهد. لذا ملتها و نهضت‌هایی که برای رهایی از استبداد و استعمار به دنبال الگوی قابل‌تأسی بودند انتظار داشتند که از تجربیات انقلاب اسلامی بهره‌مند شوند و انقلاب اسلامی و نظام برآمده از آن نیز با تبیین و تشریح این ویژگی‌ها قادر بود تا ضمن انجام وظیفه اسلامی - انسانی منبث از اعتقادات و ارزش‌های دینی، اندوخته‌ها و تجربیات خود را در قالب صدور انقلاب به آنان منتقل کند. البته اندیشه صدور انقلاب بر اهداف انقلاب اسلامی نیز مبتنی است که بر اساس آنچه تاکنون از دیدگاه اندیشمندان و صاحب‌نظران، به ویژه پدیدآورندگان انقلاب اسلامی، به آن اشاره شده است انقلاب اسلامی علاوه بر رفع و دفع استبداد و استعمار، اهداف دیگری نیز داشته است که برای رعایت اختصار صرفاً به برخی از عناوین عمده اهداف مهم انقلاب که بعداً فراملی دارد، اشاره می‌شود:

- (۱) نفی استعمار و سلطه خارجی؛
- (۲) حمایت از مسلمانان، مظلومان و مستضعفان جهان؛
- (۳) گسترش اعتقادات، اندیشه‌ها و فرهنگ اسلامی و تقویت مسلمانان در سراسر عالم؛
- (۴) تلاش برای تقویت پایه‌های وحدت و انسجام امت اسلامی در سطح جهان؛
- (۵) تلاش برای بیداری و اتحاد مستضعفان در سراسر جهان؛
- (۶) هشدار، تذکر و تنبیه متجاوزان به حقوق انسانها در صحنه بین‌المللی؛
- (۷) تلاش برای تغییر نظام غیر عادلانه حاکم بر جهان و دگرگونی در ساختارهای بین‌المللی برآمده از نظام غیر عادلانه و... (مؤسسه فرهنگی قدر ولایت ۱۳۸۲: ۱۴ - ۱۲).

در مورد مسأله صدور انقلاب که توجه ناظرین حوادث مربوط به انقلاب اسلامی را به خود جلب کرده بود، نظریات مختلفی، در داخل و در خارج از ایران، وجود داشت و سؤالاتی درباره اهداف، برنامه‌ها، شیوه‌ها و ابزار صدور انقلاب مطرح می‌گردید.

گروهی مخالفت همه‌جانبه خود را با مسأله صدور انقلاب اعلان کردند. جمعی بر صدور انقلاب با شرایط و ویژگی‌های خاص تأکید کردند. عده‌ای نیز صدور انقلاب را تحت هر شرایط و با هر ابزار و وسیله‌ای لازم می‌دانستند. در رابطه با صدور انقلاب، دست کم، سه نظریه قابل طرح است. البته نظریه‌ای که امام خمینی در این خصوص ابراز داشتند، نظریه‌ای جامع است.

طرفداران دیدگاه اول، ناسیونالیستها بودند... شعار بازسازی ملی در قالب هماهنگ با نظام و عرف بین‌المللی، بدون توجه به شرایط انقلابی اولین آمیزه این دیدگاه بود. ایشان به موازات داغ شدن بحث صدور انقلاب، مخالفت تلویحی خود را با اعلام اولویت بازسازی داخلی مطرح می‌نمایند... این گروه معتقد بودند ارزشهای انقلاب تنها در چهارچوب مرزهای ملی قابل قبول بوده و نباید نسبت به محیط پیرامون موضعی تعرضی داشته باشد. لذا به طور کلی مخالف صدور انقلاب بوده و آن را عملی خلاف شئون بین‌المللی می‌پنداشتند (معاونت پژوهشی ... ۱۳۷۴: ۱۳-۱۱).

همچنین این دیدگاه صدور انقلاب را به دلیل اعتقاد به اینکه ما وظیفه داریم جامعه خود را منطبق بر نیازهای کشور اداره کنیم و نمی‌توانیم افکار و اندیشه خود را صادر کنیم، منتفی دانسته و معتقد بودند که انقلاب چون کالا نیست که بتوان آن را صادر کرد:

دیدگاه دوم: دسته‌های دیگر عناصری ظاهراً انقلابی بودند که مرزهای ملی را ساخته دوران سلطه استعمار دانسته و معتقد بودند که جهان اسلام زمانی یک کل یکپارچه بوده است که بر اثر تهاجم دو قطب فرهنگ غرب یعنی ناسیونالیزم و استعمار تجزیه شده ... طرفداران این دیدگاه به «تئوری توطئه» اعتقاد داشته و هرگونه نابسامانی، عقب افتادگی، تحجیر فرهنگی و مرزبندیها را ناشی از توطئه برنامه‌ریزی شده دولتهای استعمارگر می‌دانستند. توجیه قدرتمند «اسلام مرز نمی‌شناسد» حربه مناسبی برای این گروه بود... تهاجم دائمی و مستمر به ارزشهای وضع موجود و تلاش در جهت نابود ساختن رژیمهای پیرامونی هدف اصلی این دیدگاه بود. استفاده از توانمندیهایی نظامی، چریکی و اطلاعاتی و تجهیز تسلیحاتی جنبشهای آزادببخش و به خطر افکندن پایه‌های حکومتهای مستبد در کانون توجه این دسته قرار داشت... در این دیدگاه منافع ملی با منافع آرمانی یکسان فرض شده و اولویت در سیاست خارجی به منافع ایدئولوژیک آن هم از موضع خشن و سرکوب‌گرایانه داده می‌شود... (معاونت پژوهشی ... ۱۳۷۴: ۱۴-۱۳).

این دیدگاه معتقد بود که انقلاب اسلامی به دلیل ماهیت اسلامی خود ضمن اینکه دارای رسالت جهانی است و به هر قیمت - حتی با اعمال زور و روشهای قهرآمیز و به کار بردن اسلحه - باید اندیشه خود را در جهان گسترش دهد:



دیدگاه سوم: طرفداران این دیدگاه معتقد بودند که باید تلاش کنیم در داخل یک امت نمونه بسازیم و از تمامی ابزارهای انقلابی، قانونی و حتی خشن نظامی برای تحقق این هدف سود جوییم. در رابطه با جامعه جهانی نیز این دیدگاه سیاست مسالمت‌آمیز توأم با فرصت‌طلبی را دنبال می‌کرد... در صورتی که منافع ما در نقطه‌ای به خطر افتاد و مخاصمه و برخورد خشن کارساز نبود اقدام به یک مصالحه بین‌المللی و تفاهم با کشورهای قدرتمند ضروری است. این دیدگاه تا حدود زیادی در داخل متأثر از اندیشه انقلابی و در جامعه جهانی مدافع تفاهم با سیاست دولتهای قوی بود. در این دیدگاه استفاده از تمام شیوه‌ها برای دستیابی به اهداف انقلابی مشروع بوده و قابل قبول تلقی می‌شد (معاونت پژوهشی ... ۱۳۷۴: ۱۵-۱۴).

دیدگاه دیگری که در واقع بیانگر رویکرد رهبران انقلاب، به ویژه حضرت امام خمینی بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران است با توجه به: الف) تکلیف‌گرایی و لزوم ترویج اندیشه‌های ناب اسلامی؛ ب) خواست عمومی ملتها بالاخص مسلمانان؛ ج) نگاه اصولی به صدور انقلاب در سیاست خارجی از دیدگاه اسلام و مرز‌ناشناسی اندیشه اسلامی، مسأله صدور انقلاب را با شیوه‌ها و ابزار خاص خود مورد توجه قرار داده و امری ضروری برای تحقق اهداف انقلاب قلمداد می‌کند. در یک نگاه کلی می‌توان گفت که امام خمینی با اتخاذ موضعی دقیق هر سه دیدگاه فوق را به طور نسبی رد می‌کند.

دیدگاه ناسیونالیستی به دلیل تأکید بر خمیرمایه‌های غیردینی و استفاده از آنها در کنار ارزشهای اسلامی به صورت آشکار مورد نفی امام قرار می‌گیرد؛ زیرا اعلام صریح امام مبنی بر قطعی بودن صدور انقلاب و یادآوری این نکته که ما نسبت به ملتها و به ویژه مسلمانان بر اساس آموزه‌های اسلام مسئولیت داریم، بیانگر طرد صریح و روشن این دیدگاه محسوب می‌شود. گروه دوم نیز به دلیل اندیشه و اقدامات افراطی و نادیده گرفتن ساز و کارهای حاکم بر تعاملات مناسب با دیگر جوامع، مطرود امام هستند. برگزیدن راه و روش صرفاً نظامی و اقدامات چریکی و پارتیزانی و بی‌توجهی به حرکت‌های مردمی مبتنی بر آگاهی و بیداری و شناخت مناسب از تعاملات محیطی که ویژگی این دیدگاه می‌باشد، از سوی امام خمینی شیوه غیرممکن و نادرستی به حساب می‌آید. دیدگاه سوم نیز به دلیل فرصت‌طلبی و استفاده ابزاری نسبت به موضوعی که باید مبتنی بر احساس مسئولیت و وظیفه‌شناسی باشد، از سوی امام نفی می‌شود (معاونت پژوهشی ... ۱۳۷۴: ۱۶-۱۵).

امام با تأکید بر رسالت جهانی اسلام و تمهد به ارزشهای والای آن در عرصه اندیشه و عمل، احساس مسئولیت نسبت به جامعه جهانی را مورد توجه قرار می‌دهند. این نگرش مبتنی بر نفی ظلم و ظلم‌پذیری، نفی سلطه و سلطه‌گری و نفی سکوت و برخورد انفعالی است. از دیدگاه امام برای اینکه ملتها به عنوان مخاطب اصلی انقلاب اسلامی نقش الگویی انقلاب اسلامی و نظام برخاسته از آن را بپذیرند، باید احساس مسئولیت مسئولان انقلاب را نسبت به مسائل و مشکلات خود به صورت روشن حس کنند.

بنابراین آگاهی دادن به ملتها برای اتخاذ مشی روشنگرانه به گونه‌ای که خود آنها اقدام به تغییر سرنوشت خویش کنند در دیدگاه امام جایگاه ویژه‌ای دارد. در این دیدگاه صدور انقلاب که به عنوان وظیفه قطعی قلمداد می‌شود، زمانی موفق خواهد بود که نظام برخاسته از انقلاب اسلامی با موفقیت در عرصه‌های گوناگون بتواند به عنوان الگوی موفق برای دیگر جوامع نقش آفرینی کند. لذا در یک جمع‌بندی کلی صدور انقلاب از دیدگاه امام دربردارنده چهارچوب و مفاهیمی است که تأکید بر تحقق ارزشها در داخل و اهتمام جدی به انتقال آرمانها و ارزشهای انقلاب در خارج را همزمان مورد توجه قرار دهد تا رابطه منطقی و معقول بین جامعه انقلابی ایران و دیگر جوامع برای انتقال آموزه‌های انقلابی برقرار شود (معاونت پژوهشی... ۱۳۷۴: ۱۸-۱۶).

البته تقسیم‌بندیهای دیگری هم برای صدور انقلاب مطرح شده است:

۱) عملگرایی در قالب اسلام (پراگماتیسم مطلق) با هدف کسب قدرت؛

۲) نظریه حکومت عملی اسلام (اولویت محض به داخل کشور)؛

۳) انجام دادن تکالیف الهی بدون عنایت به عواقب بلند مدت آن (اصل قرار دادن بعد آرمانی

و ایدئولوژیک سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و بی توجهی به ضرورت‌های داخلی)؛

۴) نظریه «أَمَّ الْقَرَاء» (ایزدی ۱۳۸۱: ۷۳-۶۱).

پیروان نظریه اول که به نوعی آن را عملگرایی در قالب اسلام خوانده‌اند. موارد ذیل را وجهه

نظر خود قرار می‌دهند:

- بهره‌گیری ملت از همه امکانات برای زندگی و نمو در جامعه بین‌المللی؛

- همه چیز برای داخل مرزها؛

- تمسک به اسلام برای قدرتمند شدن؛

- صدور انقلاب و حمایت از نهضتها برای کسب قدرت و در مجموع هر اقدامی برای اقتدار ایران (ایزدی ۱۳۸۱: ۶۱-۶۲). این دیدگاه به دلیل فرصت‌طلبی و بی‌توجهی به ماهیت انقلاب اسلامی و وظیفه جمهوری اسلامی ایران نسبت به مسلمانان و مغایرت با روح قانون اساسی نمی‌تواند مورد توجه باشد.

نظریه دوم به نظریه حکومت عملی اسلام موسوم است و به موارد ذیل معتقد است:

- تقسیم جهان به کشورهای متعدد از واقعیت‌های انکارناپذیر است.

- قبول این مرزبندی وجود قلمرو، وجود حوزه مشروعیت و وجود حوزه مسئولیت را ترسیم

می‌کند و این واقعیتها توان و وسع محدود به قلمرو را به همراه دارد و نمی‌توان انتظاری بیش از آن از حکام داشت.

- امکانات هر مملکت باید صرف مملکت با مرزهای خاص سرزمینی شود.

- وظیفه دولت، آباد کردن و ساخت کشور است.

- همدردی با فقرای همسایه، ولی وظیفه حاکمیت، درون مرزی است.

در مجموع این دیدگاه حکومت ریاست ولی فقیه، رعایت مقررات و قوانین اسلامی در

مملکت و دفاع از اسلام و مسلمانها را می‌پذیرد ولی خود را نسبت به مسائل جهان اسلام مسئول

نمی‌داند (ایزدی ۱۳۸۱: ۶۳-۶۷). این دیدگاه به دلیل فرصت‌طلبی و بی‌توجهی به ماهیت انقلاب

اسلامی مورد توجه نمی‌باشد.

پیروان نظریه سوم انجام تکلیف بدون توجه به عواقب آن با استناد به بعد آرمانی و

ایدئولوژیک سیاست خارجی و اصل قرارداد آن، اعتقاد دارند که باید از تأثیر واقعیت‌های جاری

بر اصول آرمانی جلوگیری کرد و به ندای مسلمانها به هر قیمتی پاسخ داد که به نوعی آرمان‌گرایی

محض و بی‌توجهی به مصالح و منافع ام‌القراء در این نظریه مشهود است (ایزدی ۱۳۸۱: ۷۴-۷۳).

نظریه چهارم ام‌القراء نام دارد. هر چند که علما و مسئولان حکومتی بارها از این واژه استفاده

کرده‌اند ولیکن این نظریه به صورت جامع تبیین نگردیده است. بر اساس نظر دکتر محمد جواد

لاریجانی خلاصه این نظریه چنین است:

الف) ملاک وحدت در فلسفه ام‌القراء وحدت در ادای وظیفه اسلامی است، چرا که در این

حاکمیت، امتی مسئول با رهبری مسئول جمعاً در سرزمینی به عنوان ام‌القراء، هسته مرکزی

حکومتی را تشکیل می‌دهند که بُرد جهانی دارد.

ب) ولایت فقیه و حکومت ولایت فقیه، اساس و جوهر تشکیل حکومت اسلامی در ام‌القراست. عامل وحدت امت اسلامی، همان رهبری ولایت فقیه است.

ج) مرزهای قراردادی و بین المللی اثری در این رهبری ندارد. جهان اسلام امت واحد است. ولایت و حیطه مسئولیت آن قابل تقسیم به کشورها نیست. مسئولیت رهبری امت اسلام مرزی نمی‌شناسد.

د) کشوری ام‌القرای جهان اسلام است که دارای رهبری گردد که در حقیقت لایق رهبری جهان اسلام باشد.

ه) اگر بین رهبری انقلاب و حکومت ایران با رهبری امت اسلامی و نهضت جهانی اسلام در عمل تزاخمی به وجود آید، باید کدام را بر دیگری اولویت داد؟ نحوه حل تعارض بین آن دو چیست؟

آقای لاریجانی معتقد است:

تئوری ام‌القراء در حقیقت در پاسخ عملی بدین سؤال عرضه شده است. همواره مصالح امت اولویت دارد. مگر اینکه هستی ام‌القراء، که حفظ آن بر همه امت (نه تنها بر مردم ام‌القراء) واجب است، به خطر افتد (لاریجانی ۱۳۶۹: ۵۲).

و) ام‌القراء در صورتی که به حقوق امت تجاوز شود، می‌خروشد و با توانایی خود سعی می‌کند حق امت را بگیرد؛ از این رو قدرتهای جهان سعی می‌کنند آن را در هم شکسته و نابود کنند تا دیگر سدی بر سر راه امیال آنها نباشد و در اینجاست که وظیفه امت، شروع می‌شود و آن حفاظت و حمایت از ام‌القراست.

ام‌القراء باید امت را حفظ و حمایت کنند و به فریاد آن رسد و سعی در جلوگیری از ظلم قدرتها کند و در مقابل حقوقی دارد که همان وظیفه امت، نسبت به آن است. اگر ام‌القراء مورد هجوم و حمله و تاخت و تاز دشمن اسلام و معارضان قرار گیرد، امت با تمام توان و هستی خود باید به یاری آن بشتابد (ایزدی ۱۳۸۱: ۷۰-۶۸).

آقای لاریجانی می‌گوید: «ما وقتی به بیرون مرزهای خود نگاه می‌کنیم اغراضمان از دو مقوله خارج نیست: صدور انقلاب و حفظ ام‌القراء، و اگر در مقطعی تزاخمی به بار آید، اولویت با حفظ ام‌القراست» (لاریجانی ۱۳۶۹: ۵۲).

ایشان برگزیدن «رفع نیازهای جمهوری اسلامی» در زمان تزامن با صدور انقلاب را بر اساس رهنمودهای امام و نیز با استفاده از استفتائات خصوصی از ایشان دانسته‌اند (ایزدی ۱۳۸۱: ۷۰). روشن است که با توجه به نظریات متفاوت و بعضاً متضادی که از طرف گروه‌های مختلف ارائه می‌گردید، اندیشه صدور انقلاب در دو سوی طیفی قرار می‌گرفت که یکسوی آن صدور انقلاب به هر قیمت و سوی دیگر آن مخالفت با صدور آن بود، برخی برای پیشبرد این هدف به اعمال زور و به کارگیری قدرت نظامی اعتقاد داشتند. برخی نیز معتقد بودند که انقلاب به درون مرزها محدود شود و حداکثر الگویی از آن به دیگران ارائه شود. اینان نظر داشتند که باید بیشترین سرمایه‌گذاری را به برطرف کردن نیازهای داخلی اختصاص داد. اما دیدگاه جامع و متعادل امام بر الگوسازی در داخل و انتقال آموزه‌های انقلاب اسلامی و حمایت از ملتها در زمینه‌های آگاهی بخشی آموزشی و انتقال تجربیات تأکید داشت.

#### دیدگاه امام خمینی در مورد صدور انقلاب

همانگونه که پیش‌تر مشاهده شد در زمینه صدور انقلاب دیدگاه‌های متفاوت و چهارگانه‌ای ابراز شد. در این مقاله سه دیدگاه: (۱) فرصت طلبانه؛ (۲) رادیکال (افراطی)؛ و (۳) محافظه کارانه، به دلیل تناقض و تضاد آنها با ماهیت انقلاب و اندیشه‌های متعالی امام و قانون اساسی مورد توجه قرار نگرفت و تنها بر دیدگاه چهارم که منطبق بر اسلام ناب، ماهیت و اهداف متعالی انقلاب اسلامی است، تأکید شد. اینک چهارچوب صدور انقلاب منطبق بر اندیشه و افکار امام خمینی ارائه می‌گردد.

امام خمینی با شناخت عمیق و همه‌جانبه از اسلام و ابعاد انقلاب اسلامی و همچنین آگاهی و بصیرت کامل به شرایط زمانی و نظام حاکم بین‌المللی و همچنین شناخت دشمنان اسلام، است اسلامی، انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران و ابعاد و شیوه‌های دشمنی آنان، ضمن یادآوری دشمنی جامع‌الابعاد امریکا، صهیونیسم، کمونیسم با اسلام و انقلاب اسلامی، حفظ و تداوم انقلاب اسلامی را عمق بخشی و گسترش پهنه انقلاب اسلامی در داخل و خارج از ایران می‌دانستند و بر این اساس همواره بر صدور انقلاب با شیوه‌ای جامع و کارآمد تأکید می‌کردند.

ایشان با اتخاذ «موضعی دقیق» دیدگاه‌های سه‌گانه را به نوعی مردود دانسته و نظریه جامع و کارآمدی را نسبت به صدور انقلاب در مواضع و رهنمودهای خود ارائه کردند. امام خمینی

دیدگاه ملی‌گرایانه را که مظهر آن جریان نهضت آزادی بود (چنانچه ابراهیم یزدی وزیر خارجه دولت موقت صراحتاً اعلام کرد: «ما قصد صادر کردن انقلاب خود را نداریم») به دلیل غیر دینی بودن آموزه‌های آن و محدود شدن در حصارهای منافع مادی و کنار گذاشتن ارزشهای اسلامی، نفی کرده و صدور انقلاب را یک موضوع قطعی و غیر قابل خدشه دانستند. چنانچه فرمودند:

ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم؛ چرا که انقلاب ما اسلامی است و تا بانگ لاله‌الاالله و محمد رسول‌الله (ص) بر تمام جهان طنین نیفتد مبارزه هست. و تا مبارزه در هر جای جهان علیه مستکبرین هست ما هستیم (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۲: ۱۴۸).

همچنین ایشان با هشدار به کسانی که مخالف صدور انقلاب بودند این چنین فرمودند:

ما باید در صدور انقلابمان به جهان کوشش کنیم و تفکر اینکه ما انقلابمان را صادر نمی‌کنیم، کنار بگذاریم؛ زیرا اسلام بین کشورهای مسلمان فرقی قائل نمی‌باشد و پشتیبان تمام مستضعفین جهان است، از طرفی دیگر تمام قدرتها و ابرقدرتها کمر به نابودی‌مان بسته‌اند، و اگر ما در محیطی در بسته بمانیم قطعاً با شکست مواجه خواهیم شد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۲: ۲۰۲).

امیدواریم که این نهضت به سایر بلاد اسلامی هم صدور پیدا بکند. و این مکتب، مکتب همه مسلمین است بلکه همه مستضعفین (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۲: ۳۹۹).

ما به تمام جهان تجربه‌هایمان را صادر می‌کنیم و نتیجه مبارزه و دفاع با ستمگران را بدون کوچکترین چشمداشتی، به مبارزان راه حق انتقال می‌دهیم و مسلماً محصول صدور این تجربه‌ها، جز شکوفه‌های پیروزی و استقلال و پیاده شدن احکام اسلام برای ملت‌های دریند نیست (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۰: ۳۲۵).

البته ما این واقعیت و حقیقت را در سیاست خارجی و بین‌الملل اسلامی‌مان بارها اعلام نموده‌ایم که در صدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهان‌خواران بوده و هستیم... ما در صدد خشکانیدن ریشه‌های فاسد صهیونیسم، سرمایه‌داری و کمونیسم در جهان هستیم. ما تصمیم گرفته‌ایم به لطف و عنایت خداوند بزرگ، نظام‌هایی را که بر این سه پایه استوار گردیده‌اند نابود کنیم؛ و نظام اسلام رسول‌الله - صلی‌الله‌علیه

و آله و سلم - را در جهان استکبار ترویج نماییم (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۸۱).

نهایتاً، حضرت امام در روزهای پایانی عمر شریفشان موضع خویش را نسبت به صدور انقلاب اینگونه اعلام کردند:

مستولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت - ارواحنا فداه - است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۳۲۷).

همچنین حضرت امام خمینی دیدگاه افراطی و تند عناصر انقلابی یا بعضاً به ظاهر انقلابی را که صرفاً به شیوه‌های چریکی، اطلاعاتی و تجهیز تسلیحاتی جنبشهای آزادیبخش برای سقوط حکومتها در نظر داشتند، نفی کرده و با تشخیص مناسب از شرایط حاکم بر بیداری اسلامی و آگاهی بخشی به توده‌ها برای نجات و رهایی خود تأکید کرده و ارزیابی مناسب از دشمن و شیوه‌های دشمنی آنها را برای اتخاذ شیوه مناسب صدور انقلاب مدنظر قرار می‌دادند. ایشان در این راستا چنین فرموده‌اند:

ما که می‌گوییم «انقلابیان را می‌خواهیم صادر کنیم»، می‌خواهیم این را صادر کنیم، می‌خواهیم این مطلب را، همین معنایی که پیدا شده، همین معنویی که پیدا شده است در ایران، همین مسائلی که در ایران پیدا شده، ما می‌خواهیم این را صادر کنیم. ما نمی‌خواهیم شمشیر بکشیم و تفنگ بکشیم و حمله کنیم (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۳: ۹۰).

همچنین فرموده‌اند:

اینکه می‌گوییم باید انقلاب ما به همه جا صادر بشود، این معنی غلط را از او برداشت نکنند که ما می‌خواهیم کشورگشایی کنیم. ما همه کشورهای مسلمین را از خودمان می‌دانیم. همه کشورها باید در محل خودشان باشند. ما می‌خواهیم این چیزی که در ایران واقع شد و این بیداری که در ایران واقع شد و خودشان از ابرقدرتها فاصله گرفتند و دادند و دست آنها را از مخازن خودشان کوتاه کردند، این در همه ملتها و در همه دولتها بشود، آرزوی ما این است. معنی صدور انقلاب ما این است که همه ملتها بیدار بشوند و همه دولتها بیدار بشوند و خودشان را از این گرفتاری که دارند و از

این تحت سلطه بودنی که هستند و از اینکه همه مخازن آنها دارد به باد می‌رود و خودشان به نحو فقر زندگی می‌کنند نجات بدهد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۳: ۲۸۱).

ما که می‌گوییم می‌خواهیم انقلابمان را صادر کنیم، نمی‌خواهیم با شمشیر باشد، بلکه می‌خواهیم با تبلیغ باشد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۸: ۷۲). مایی که می‌خواهیم اسلام در همه جا باشد و می‌خواهیم اسلام صادر بشود، ما که نمی‌گوییم که می‌خواهیم با سر نیزه صادر بکنیم؛ ما می‌خواهیم با دعوت، با دعوت به همه جا اسلام را صادر کنیم (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۸: ۱۵۷).

در مجموع، حضرت امام خمینی برای نفی دیدگاه افراطی برای صدور انقلاب با طرح موضوعاتی چون معرفی صحیح اسلام با تبلیغات، عمل مطابق با اسلام، عمل و اخلاق، شناساندن انقلاب به دنیا، دعوت به اسلام، صدور ارزشهای انسانی، آشناسازی مستضعفان با حکومت عدل اسلامی را عامل و شیوه صدور انقلاب دانسته‌اند. امام خمینی نسبت به دیدگاه سوم نیز به دلیل موضع‌گیری انفعالی و فرصت‌طلبانه و نه مسئولانه در مقابل ملت‌های مسلمان، و مستضعفان جهان نظر مساعد نداشته و با یادآوری تکلیفی که طرفداران انقلاب نسبت به جامعه جهانی به عهده دارند یک استراتژی همه‌جانبه و جامع‌الابعاد نسبت به صدور انقلاب ارائه کرده‌اند. چنانچه فرموده‌اند:

نهضت برای اسلام نمی‌تواند محصور باشد در یک کشور، و نمی‌تواند محصور باشد در حتی کشورهای اسلامی. نهضت برای اسلام، همان دنباله نهضت انبیاست. نهضت انبیا برای یک محل نبوده است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۰: ۴۴۶).

در این زمینه ضمن یادآوری ماهیت جهانی اسلام و انقلاب، بر تکلیف داشتن و وظیفه‌مند بودن و هبران انقلاب نسبت به جوامع اسلامی و بشری، این واقعیت که گسترش اسلام و انقلاب حق ملت‌ها است و ... بر تکلیف بودن صدور انقلاب تأکید ورزیده و دیدگاه فرصت‌طلبانه را منتفی دانسته‌اند. لذا از دیدگاه امام:

(۱) اعتقاد به اسلام و ارزشهای متعالی آن مترادف با مسئولیت دائمی نسبت به سرنوشت کلیه انسان‌هاست.

(۲) وفاداری به ارزشهای اسلامی و عمل به آنها یک وظیفه و اولویت است.



- ۳) صدور انقلاب جزء خصلت ذاتی و اجتناب‌ناپذیر انقلاب اسلامی است.
- ۴) پاسخگویی به نیاز جامعه بشری یک ضرورت است.
- ۵) اشاعه پیام‌رهایی بخش و عزت‌آفرین انقلاب موکول به اجازه مخالفان نیست.
- ۶) آشنایی با اسلام، انقلاب و اهداف آن تقاضای طبیعی انسانهاست.
- ۷) اندیشه صدور انقلاب یک موضوع عملی و تحقق‌پذیر است و یک آرمان دست‌نیافتنی نیست.

۸) صدور انقلاب یک تکلیف است.

۹) صدور انقلاب ضمن اینکه می‌تواند تاکتیکی تهاجمی علیه دشمنان انقلاب برای دور کردن خطر آنها از انقلاب و صیانت از آن باشد. همچنین به عنوان آرمان، هدف متعالی، سیاست و استراتژی کلان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران مطرح است که باید آن را مورد توجه قرار داد. با بررسی اولیه و توصیف نظریات صریح حضرت امام، در دیدگاه ایشان موارد زیر کاملاً نمایان است:

- ۱) انقلاب اسلامی به دلیل ماهیت اسلامی نسبت به دیگر جوامع مسئول است.
- ۲) انقلاب اسلامی باید به تمامی جهان صادر شود.
- ۳) تا استعمارگران هستند مسلمانان وظیفه مبارزه با آنها را دارند.
- ۴) چون اسلام حامی مستضعفان است و انقلاب اسلامی نیز دارای ماهیت اسلامی است، وظیفه حمایت از مسلمانان و مستضعفان را برعهده دارد.
- ۵) ابرقدرتها به دلیل ماهیت انقلاب اسلامی کمر به نابودی آن بسته‌اند، لذا در صورت محدود بودن انقلاب به مرزهای ایران، شکست آن حتمی است.
- ۶) صدور اندیشه اسلام و تبیین ابعاد انقلاب اسلامی، قدرت اسلام را به آنها (ابرقدرتها) می‌فهماند.
- ۷) صدور تجربه‌های انقلاب اسلامی به ملتها و مبارزان راه حق از وجوه صدور انقلاب است و نتیجه آن پیروزی و استقلال برای ملتهاست.
- ۸) گسترش نفوذ اسلام و کم کردن سلطه جهان‌خواران جزئی از واقعیتها و حقیقتهای سیاست خارجی و از وظایف اصلی مسئولان جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.
- ۹) پیروزی انقلاب اسلامی در ایران نقطه شروع انقلاب جهانی اسلام است.

۱۰) صدور انقلاب، صدور پیام انقلاب و معنویت انقلاب به جهانیان است.

۱۱) صدور انقلاب با آگاهی، انتقال تجربه به ملتها و بیدارسازی آنها تحقق می‌یابد.

۱۲) صدور انقلاب با تبلیغ، آموزش و تبیین ابعاد اسلام است.

۱۳) صدور انقلاب با شمشیر، لشگرکشی، حمله نظامی مورد توجه نیست.

همانگونه که بیان گردید امام خمینی ضمن تأکید بر اساسی بودن صدور انقلاب اسلامی با ارائه دیدگاهها و رهنمودهای خویش مبانی و اصول، اهداف، راهها و ابزار تحقق این موضوع را - که ابعاد آن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت - مطرح فرموده‌اند، اما افزون بر آن لازم است مبانی شرعی و ضرورت آن را نیز مورد بررسی قرار داد.

### مبانی شرعی صدور انقلاب از منظر امام خمینی

ماهیت مکتب اسلام، جهانی است و منحصر به یک ملت، نژاد و سرزمین خاص نمی‌باشد، آیات متعدد قرآنی و روایات مختلف نیز گواه بر جهانی بودن رسالت پیامبر اسلام (ص) می‌باشد، لذا امام خمینی نیز همواره با تأکید بر این رسالت، ضرورت صدور انقلاب را یادآوری می‌کردند. از طرفی، قرآن به صورت مکرر این رسالت جهانی را گوشزد کرده است. به عنوان نمونه، خداوند متعال قرآن کریم را اینگونه معرفی کرده است: «الرَّكَابَ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ (ابراهیم: ۱)». یعنی قرآن کتابی است که به سوی تو نازل کردیم تا مردم را از ظلمات (ناآگاهی و کفر) به سوی نور (علم و ایمان) هدایت کنی. همچنین در آیه «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا» (سبا: ۲۸) رسالت پیامبر (ص) را هدایت همه مردم جهان دانسته است. انقلاب اسلامی نیز به دلیل برخورداری از ماهیت اسلامی، رسالتی جهانی دارد. چنانچه امام خمینی فرموده‌اند:

این نهضت ایران؛ نهضت مخصوص به خودش نبوده و نیست؛ برای اینکه اسلام مال طایفه خاصی نیست. اسلام برای بشر آمده است؛ نه برای مسلمین و نه برای ایران. انبیا مبعوث‌اند بر انسانها، و پیغمبر اسلام مبعوث بود بر انسانها. خطاب به ناس [است]: «یا ایها الناس». ما که نهضت کردیم، برای اسلام نهضت کردیم؛ ... نهضت برای اسلام نمی‌تواند محصور باشد در یک کشور، و نمی‌تواند محصور باشد در حتی کشورهای اسلامی. نهضت برای

اسلام، همان دنباله نهضت انبیاست. نهضت انبیا برای یک محل نبوده است. پیغمبر اکرم (ص) اهل عربستان است؛ لکن دعوتش مال عربستان نبوده؛ محصور نبوده به عربستان؛ دعوتش مال همه عالم است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۰: ۴۴۶).

### اهمیت و ضرورت صدور انقلاب از منظر امام خمینی

امام خمینی ضمن اینکه اقدام برای صدور انقلاب را یک تکلیف و وظیفه شرعی می‌دانستند، تداوم انقلاب و کارآمدی و تحقق اهداف آن را وابسته به صدور انقلاب دانسته و در صورت غفلت از این امر مهم و محصور ماندن انقلاب دو مرزهای ایران، شکست انقلاب را قطعی می‌دانستند، چنانچه فرموده‌اند:

ما باید از مستضعفین جهان پشتیبانی کنیم. ما باید در صدور انقلابمان به جهان کوشش کنیم و تفکر اینکه ما انقلابمان را صادر نمی‌کنیم کنار بگذاریم؛ زیرا اسلام بین کشورهای مسلمان فرقی قائل نمی‌باشد و پشتیبان تمام مستضعفین جهان است. از طرفی دیگر تمام قدرتها و ابرقدرتها کمر به نابودی مان بسته‌اند، و اگر ما در محیطی در بسته بمانیم قطعاً با شکست مواجه خواهیم شد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۲: ۲۰۲).

همچنین فرموده‌اند: «نهضت ما اسلامی است ... نهضت مستضعفین مراسم جهان است قبل از آنکه به منطقه‌ای خاص متعلق باشد» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۱: ۱۱۰). حضرت امام صدور انقلاب را موجب قیام همگانی مستضعفان دانسته و چنین فرموده‌اند: «ان‌شاءالله، با این قیام همگانی مستضعفین جهان فاتحه ابرقدرتها خوانده خواهد شد» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۵: ۳۱۵).

بر اساس موضوعات پیشین ضمن اینکه صدور انقلاب از منظر امام خمینی منبعث از مبانی شرعی است و برای مسئولان جمهوری اسلامی ایران تکلیف‌آور است؛ از لحاظ تعاملات برون مرزی و حفظ منافع و مصالح جمهوری اسلامی ایران نیز موضوعیت دارد، بدین معنا که صدور انقلاب منطبق بر دیدگاه جامع، وظیفه و تکلیفی اجتناب‌ناپذیر است که در صورت بی‌توجهی به آن جمهوری اسلامی ایران را با چالشهای طبیعی ناشی از تأثیرات غیرارادی و کنترل نشده انقلاب در محیط پیرامون و تهدیدات برنامه‌ریزی شده دشمنان انقلاب اسلامی مواجه می‌کند.

## جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با تجزیه تحلیل رهنمودهای امام در مورد اصل صدور انقلاب، مبانی شرعی و صدور آن، چنین استنباط می‌شود که:

- ۱) اقدام برای صدور انقلاب یک وظیفه و تکلیف شرعی است.
  - ۲) در صورت محصور بودن انقلاب در مرزهای ایران، شکست انقلاب قطعی است.
  - ۳) به دلیل ماهیت انقلاب اسلامی، حامیان انقلاب و متولیان آن نسبت به مستضعفان و مسلمانان دارای وظیفه‌اند.
  - ۴) اگر انقلاب در کشور محصور باشد، عزم جدی قدرتهای جهانی مبنی بر شکست انقلاب تحقق می‌یابد.
  - ۵) تلاش برای استقلال ملتها از سلطه قدرتها یک هدف و وظیفه است.
  - ۶) انقلاب اسلامی نه تنها نهضتی برای مسلمانها بلکه برای مستضعفین جهان است.
  - ۷) با قیام مستضعفین، ابرقدرتها رو به افول خواهند رفت و این موضوع به صدور انقلاب وابسته است.
  - ۸) با قیام مستضعفین و درک عمیق آنها از انقلاب اسلامی، نهضتی در مقابل جهان‌خواران شکل خواهد گرفت.
  - ۹) انقلاب اسلامی، از طرفی، از ناحیه قدرت لایزال الهی مورد حمایت است و از طرفی مورد توجه ملتها و به ویژه مسلمانها است.
  - ۱۰) انقلاب اسلامی نقطه شروع است و ادامه آن در ورای مرزهای جغرافیایی است.
  - ۱۱) صدور انقلاب با تکیه بر تبلیغ، آگاهی رساندن، و انتقال معنویت است و تکیه بر تجهیزات و سلاح مورد توجه نیست.
  - ۱۲) صدور ارزشها و آشنایی مستضعفان با آموزه‌های اسلام و حکومت مورد توجه اسلام از محوری‌ترین ابعاد توجه در اندیشه صدور انقلاب است.
- لذا در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که در اندیشه امام خمینی ضمن اینکه صدور انقلاب یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر محسوب می‌شود، همچنین، استراتژی صدور انقلاب بر پایه مجموعه‌ای از اهداف و برنامه‌ها چون الگوسازی، تبلیغ و آگاه‌سازی، آموزش و حمایت از نهضتهای آزادیبخش استوار است و هدف اصلی صدور انقلاب، ملتها می‌باشند. این چهارچوب نظری می‌تواند دستور

کار متولیان انقلاب اسلامی قرار گیرد و با تکیه بر آنها آگاهی، بیداری و همگرایی ملتها و به ویژه مسلمانها با آموزه‌های انقلاب اسلامی را تقویت کنند.

### منابع

- قرآن کریم.
- اسپوزیتو، جان. ال. (۱۳۷۲) جنگ خلیج فارس، جنبش‌های اسلامی و نظم نوین جهانی، ترجمه ضیایی، دانش سیاسی، مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (س)، دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی.
- امام خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۸۵) صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (س)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (مؤسسه چاپ و نشر عروج).
- ایزدی، بیژن. (۱۳۸۱) درآمدی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، چاپ چهارم، قم: مؤسسه بوستان کتاب (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی).
- عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۳۶۷) انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، تهران: نشر کتاب سیاسی.
- لاریجانی، محمدجواد. (۱۳۶۹) مقولاتی در استراتژی ملی، انتشارات انقلاب اسلامی.
- مؤسسه فرهنگی قدر ولایت. (۱۳۸۲) ۹۲ دستور انقلاب اسلامی.
- محمدی، منوچهر. (در حال انتشار) بازتاب جهانی انقلاب اسلامی.
- معاونت پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. (۱۳۷۴) صدور انقلاب از دیدگاه امام خمینی (س)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (مؤسسه چاپ و نشر عروج).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پروفیسر شہباز گل شاہ علمیات انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی